

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

منتشر شده در کرا دل  
نویسنده: محمد حسن سویدان  
برگردان: جنوب جهانی  
فرستنده: طاهر باختری  
۱۵ دسمبر ۲۰۲۴

## درسهایی از سوریه و لبنان: مقاومت تنها ضامن حاکمیت ملی است



اقدامات اسرائیل پس از فروپاشی سوریه، نشان‌دهنده تلاش حساب‌شده صهیونیستی برای گسترش و تسلط منطقه‌نی است. بدون وجود مقاومت در برابر تجاوزات بی‌پایان تل‌آویو، حاکمیت هر کشور غرب آسیا در معرض تهدید اشغال اقتصادی، نظامی و سیاسی قرار خواهد گرفت.

\*\*\*\*\*

پس از تهدیدات آشکار نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهاو، مبنی بر این‌که رئیس‌جمهور مخلوع سوریه، بشار اسد، «با آتش بازی می‌کند» و با بهره‌گیری از فرصتی که فروپاشی ناگهانی دولت سوریه به وجود آورد، ارتش اشغالگر برای نخستین بار در ۵۰ سال گذشته وارد خاک سوریه شد.

بهانه ایجاد یک «منطقه حائل» تلاشی شفاف برای پنهان کردن هدف تاریخی اسرائیل در منطقه بود: تضعیف و تجزیه کشورهای عربی برای تسهیل تسلط منطقه‌نی تل‌آویو.

اسرائیل با بهره‌گیری از خلأ قدرتی که از سقوط دمشق به وجود آمد، صدها حمله هوایی به منظور نابودی توانایی‌های نظامی سوریه انجام داد و آن را بزرگترین حمله هوایی تاریخ خود نامید. نیروهای زمینی و زرهی اسرائیل اکنون تنها چند کیلومتر از پایتخت سوریه فاصله دارند و بدون هیچ مقاومتی از سوی نیروهای مخالف، از مناطق مرزی عبور

کرده‌اند.

برای بسیاری از ناظران در لبنان همسایه – و شاید عراق و دیگر کشورهای منطقه – این شکست اسرائیلی‌ها به یک پرسش کلیدی پاسخ داد: اگر آن‌ها اراده یا توانایی دفاع از خود را از دست دهند، آیا این سرنوشت لبنان نیز خواهد بود؟

### میراث توسعه‌طلبی

مفهوم «اسرائیل بزرگ» به‌طور عمیقی در ایدئولوژی صهیونیستی ریشه دارد. از تئودور هرتزل، بنیان‌گذار صهیونیسم مدرن، تا چهره‌های تجدیدنظرطلبی همچون زئو ژابوتینسکی و حتی نخست‌وزیر اول اسرائیل، دیوید بن گوریون، آرزوه‌ای توسعه‌طلبانه همواره یک موضوع ثابت بوده‌اند.

طرح اودد ئینون، با عنوان ستراتیژی اسرائیل در دهه هشتاد، این چشم‌انداز را بیشتر تثبیت کرد. این طرح که نخستین بار در فبروری ۱۹۸۲ در مجله کیوونیم (جهات) سازمان جهانی صهیونیسم منتشر شد، بر اساس دیدگاه هرتزل و بنیان‌گذاران دولت اسرائیل در اواخر دهه ۱۹۴۰ تدوین شد، از جمله یاکوب فیشمن، رهبر صهیونیست پولندی‌الاصل ایالات متحده.

ئینون از شمال افریقا تا شام و شبه‌جزیره عرب، ستراتیژی تجزیه و تضعیف مزمن کشورهای عربی را برای تضمین امنیت بلندمدت اسرائیل توصیه کرد.

او نوشت: «سیاست اسرائیل، چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، باید بر نابودی اردن تحت رژیم کنونی و انتقال قدرت به اکثریت فلسطینی متمرکز باشد ... انحلال سوریه و عراق در آینده به مناطقی با ترکیب قومی یا مذهبی خاص مانند لبنان، هدف اصلی اسرائیل در جبهه شرقی است ... عراق که از یکسو غنی از نفت است و از سوی دیگر درونی پرتنشج دارد، به‌عنوان نامزد اهداف اسرائیل تضمین شده است. انحلال آن حتی از انحلال سوریه برای ما مهمتر است ... تمام شبه‌جزیره عرب به دلیل فشارهای داخلی و خارجی نامزد طبیعی انحلال است و این امر به‌ویژه در عربستان سعودی اجتناب‌ناپذیر است ... مصر نیز به مناطق مختلف تحت نفوذ تقسیم شده و تجزیه خواهد شد. اگر مصر سقوط کند، کشورهایی مانند لیبیا، سودان یا حتی کشورهای دورتر نیز در شکل کنونی خود دوام نخواهند آورد و به سقوط و انحلال مصر خواهند پیوست.»

این تمایلات تخریب‌گرانه و توسعه‌طلبانه تنها به چهره‌های تاریخی اسرائیل محدود نمی‌شود. بزلال اسموتریچ، وزیر مالیه کنونی اسرائیل، آشکارا تمایل خود برای کنترل مناطقی از دمشق تا اردن را بیان کرده است. در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۶ او اظهار داشت: «مشایخ بزرگ مذهبی ما می‌گفتند که در آینده اورشلیم تا دمشق گسترش می‌یابد.»

پس از سقوط دمشق، اسموتریچ تصریح کرد: «زمان آن رسیده است که کنترل غزه را به دست بگیریم و حماس را از قدرت مدنی‌اش محروم کنیم و شریان حیاتی آن را قطع کنیم»، و خواستار حمله همه‌جانبه به کرانه باختری اشغالی شد. چنین اظهاراتی نه تنها حوادث منفرد نیستند بلکه بازتاب یک اصل اساسی صهیونیستی هستند که در زمان‌های درگیری با شدت بیشتری باز می‌گردند.

### شکستن غرب آسیا

این تمایلات توسعه‌طلبانه تنها ایدئولوژیک نیستند. طرح ئینون، ستراتیژی تجزیه کشورهای عربی به واحدهای ضعیف و فرقه‌ای، هرکدام وابسته به اسرائیل برای بقاء، را ترسیم می‌کند. این طرح خواستار تقسیم عراق به سه منطقه کردی، سنی و شیعه، تجزیه لبنان و نابودی کامل سوریه است.

اقدامات اسرائیل در سوریه، طمع سیری‌ناپذیر دولت اشغالگر را آشکار می‌سازد. بدون وجود جنبش‌های مقاومتی در لبنان، تانک‌های اسرائیلی بی‌شک تا اعماق خاک لبنان پیش می‌رفتند و اراضی فراتر از جنوب لیتانی را تصاحب می‌کردند.

### **مقاومت: سد در برابر اشغال**

یک روز پس از جلسه کمیته پنج‌جانبه در ۹ دسامبر، ارتش اسرائیل ۱۲ مورد نقض آتش‌بس را مرتکب شد. آن‌ها دیدار می‌کنند، مذاکره می‌کنند، اما اقدامی انجام نمی‌دهند. در حالی‌که این طرف‌ها مردد هستند، تل‌آویو سلطه خود را محکم‌تر می‌کند و بارها و بارها ثابت می‌کند که تنها زبانی که می‌فهمد، زبان قدرت است. این حقیقت در جنوب لبنان بخوبی شناخته شده است: بدون مقاومت، طمع اسرائیل حد و مرز نمی‌شناسد. هر تجاوز، هر نقض، یادآوری می‌کند که مقاومت نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت است. تهاجم بی‌وقفه دولت اشغالگر واقعی تلخ را آشکار می‌کند: در جهانی که قدرت حاکم است، ضعف زمینه‌ساز بهره‌کشی است.

جنبش‌های مقاومت نشان داده‌اند که تنها توازن قدرت می‌تواند اشتباهات تل‌آویو را مهار کند. توسعه‌طلبی اسرائیل به سوریه یا فلسطین ختم نمی‌شود. این کشور هر ملت آسیب‌پذیری را در منطقه زیر نظر دارد و به دنبال تکه‌تکه کردن و تسلط بر آن است.

درس روشن است: تنها با استقامت و قدرت می‌توان حاکمیت را حفظ کرد. مقاومت نه تنها یک سپر بلکه تنها راه بقاء در برابر موجودیتی است که بر ویرانی و اشغالگری بنا شده است.

۱۴ دسامبر ۲۰۲۴